

بررسی وضعیت مرتبط با فعالیت های شغلی زنان شاغل در بخش غیررسمی^۱

زینب مرادی نژاد^۲

چکیده

هدف: براساس طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران، اشتغال غیررسمی زنان در کشور به طور فزاینده‌ای رو به افزایش است. پژوهش حاضر با هدف ترسیم نمایی از فعالیت‌های شغلی زنان شاغل در بخش غیررسمی و به استناد نظریات دوآلیستی (دوگانگی بازار)، ساختاری، قانون‌گرایی و فمینیستی انجام شد.

روش: پژوهش حاضر با رویکرد استقرایی و با دو روش کیفی (استراتژی نظریه‌مبنایی و تحلیل مضمون) و تحلیل ثانویه صورت پذیرفت. از تکنیک نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده و با ۵۰ زن شاغل در بخش غیررسمی و ۲۵ صاحب‌نظر بخش غیررسمی اشتغال مصاحبه‌شده است.

یافته‌ها: دستاوردهای این پژوهش حاکی از آن است که از میان ۳/۶ میلیون نفر زنان شاغل در کشور بیش از ۲ میلیون نفر (۵۶/۴ درصد) در بخش غیررسمی اشتغال دارند، عواملی همچون تله محرومیت چندگانه سرمایه‌ای و استقلال منعطف به‌عنوان شرایط علی، رشد رو به ازدیاد مشاغل خدماتی در بخش غیررسمی و شاغل بودن به‌مثابه راهی برای اعتباریابی زن در جامعه به‌عنوان عوامل زمینه‌ای و درنهایت شرایط سخت اقتصادی و همکنشی با شاغلین غیررسمی به‌عنوان عوامل مداخله‌ای در شکل‌گیری و افزایش فعالیت‌های شغلی زنان در بخش غیررسمی موثرند. نتایج تحقیق نشان داد طرد اجتماعی (انزوای اجتماعی)، مقاومت جسورانه و خط‌مشی‌های نرم راهکارهای مقابله با پیامدهای حضور زنان در این بخش می‌باشند.

نتیجه‌گیری: به طور خلاصه می‌توان به چند نکته کلیدی به عنوان نتیجه‌گیری اشاره نمود: به دلایل عمده‌ای از قبیل سخت بودن شرایط اقتصادی و نیاز مالی و همچنین کسب استقلال مالی،

۱- این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با حمایت مالی موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی انجام شده است.

۲- دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، مدرس دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

ورود زنان به بخش غیررسمی اشتغال روبه افزایش است که این مسئله نشان می دهد باید برای مدیریت آن، برنامه ریزی نمود. زنان شاغل در این بخش، بسیار خواهان حمایت از سوی نهادهای بیمه ای - حمایتی هستند؛ چرا که حضور طولانی مدت در این بخش، آنها را با آسیب های جسمی و روحی زیادی مواجه کرده است. - از مهمترین راهکارهایی که زنان شاغل در این بخش می توان به وسیله آن، مطالبات خود را پیگیری نمایند، ایجاد شبکه و تشکل سازی در بین آنهاست. با تحت پوشش درآوردن این افراد، سازمان به یک منبع بالقوه درآمدی دست خواهد یافت و اعتبار اجتماعی آن در بین افراد جامعه نیز افزایش می یابد.

واژه های کلیدی: اشتغال، زنان، بخش غیررسمی، شبکه سازی.

۱. مقدمه

حضور زنان در بازار کار پیامدهای مختلفی از جمله بالا رفتن سطح درآمد خانواده کاهش بار تکفل و فشار اقتصادی بر مردان در خانواده، کند شدن رشد دستمزدها و به تبع آن رشد کمتر هزینه‌های تولید کالاها و خدمات در کل جامعه و استقلال مالی زنان را به دنبال دارد. شایان ذکر است برخی از زنان، سرپرست خانوار هستند و تنها منبع درآمد آنها ناشی از کار است و در برخی از خانوارها نیز مرد سرپرست خانوار بیکار بوده و اشتغال همسر وی تنها منبع درآمد خانوار را تشکیل می‌دهد (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۹). در سال‌های اخیر نرخ مشارکت زنان در سطح پایینی بوده به طوری که نرخ مشارکت جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر زنان از ۱۲/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ به ۱۵/۵ درصد در سال ۱۳۹۸ افزایش یافته است حال آنکه در سال‌های بعد رویکرد مرکز آمار تغییر کرده و جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر را ملاک عمل قرار داده است. نتایج طرح آمارگیری نیروی کار بر مبنای جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر منتشر شده است که نتایج نشان می‌دهد نرخ مشارکت زنان ۱۵ ساله و بیشتر از ۱۷ درصد سال ۱۳۹۸، به ۱۳،۶ درصد در سال ۱۴۰۱ (آخرین آمار و اطلاعات سالانه در دسترس) تغییر کرده است (طرح آمارگیری نیروی کار، مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). این مسئله نشان می‌دهد در صورتی که رویکرد مرکز آمار در این زمینه دچار تغییر نمی‌شود، نرخ مشارکت اقتصادی زنان رو به افزایش بود. همان‌طور که آمار نشان می‌دهد، نرخ مشارکت اقتصادی در بین زنان به نسبت مردان کمتر بوده است. بررسی روند نرخ مشارکت اقتصادی کل کشور نشان می‌دهد که این شاخص، نسبت به سال ۱۳۹۹، ۰/۴ درصد کاهش داشته است. بررسی نسبت اشتغال جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر بیانگر آن است که ۳۷/۲ درصد از جمعیت در سن کار (۱۵ ساله و بیشتر) شاغل بوده‌اند. این شاخص در بین مردان بیشتر از زنان بوده است. بر این اساس، نرخ بیکاری در بین زنان نسبت به مردان بیشتر بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۰: ۳). علاوه بر حضور کم‌رنگ زنان در بخش رسمی اقتصاد، مسئله ورود آنها به بخش غیررسمی نیز حائز توجه است^۱؛ چرا این بخش تمایزات ویژه‌ای با بخش رسمی دارد و این مسئله، زمینه‌ساز محرومیت زنان از بسیاری از امکانات و رفاهیات می‌شود.

به دلایل زیادی از جمله شبکه‌های تأمین اجتماعی ناکارآمد، تبعیض‌ها و نابرابری‌های جنسیتی، کمبود زیرساخت‌هایی همچون آموزش، نگرش مبنی بر بهره‌گیری از زنان به عنوان نیروی کار ارزان، کار پاره وقت و غیره مهمترین گزینه‌ای که آنها با آن روبه‌رو می‌شوند، روی آوردن به اشتغال غیررسمی است و در مشاغل همچون خدمتکاری، پرستاری کودک، پرستاری سالمند، دست‌فروشی و غیره مشغول به کار می‌شوند.

۱- براساس طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران، در سال ۱۴۰۱، در بین ۳/۶ میلیون نفر شاغل زن بیش از ۲ میلیون نفر دارای اشتغال غیررسمی بوده که سهم ۵۶/۴ را به خود اختصاص داده است.

براساس گزارش مرکز برنامه‌ریزی راهبردی وزارت کار، آمار و اطلاعات نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۱ سهم جمعیت شاغل کشور از اشتغال رسمی ۴۰/۷ درصد و از اشتغال غیررسمی ۵۹/۲ درصد بوده است. این آمار به تفکیک جنسیت حکایت از آن دارد که ۴۱/۶ درصد شاغلان بخش رسمی را مردان و ۳۶/۶ درصد را زنان تشکیل می‌دهند اما در بخش غیررسمی، زنان با ۶۳/۴ درصد بیشترین درصد شاغلان غیررسمی هستند (مرکز برنامه‌ریزی راهبردی وزارت کار، ۱۴۰۱). عدم شمول شاغلان بخش غیررسمی در قالب قانون کار و تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار نگرفتن، منابع بالقوه این سازمان را به شدت تحت تاثیر قرار داده و مانع رشد، توسعه و همچنین گسترش چتر بیمه‌ای این سازمان خواهد شد و به همین دلیل گردش چرخ اقتصاد تولید در صورتی می‌تواند حیات و چرخه زیست سازمان‌های بیمه‌ای به‌ویژه تأمین اجتماعی را در بلندمدت تضمین کند که با اتکای به مقررات جاری و تصویب قوانین موردنیاز و همچنین حمایت‌های دولت از اشتغال رسمی، کاهش آمار اشتغال غیررسمی و رشد شاغلان بخش رسمی را شاهد بود.

بر این اساس، واکاوی مسئله زنان شاغل در بخش غیر رسمی ضروری است؛ چرا که واکاوی این مسئله، راهکارهایی جهت تقلیل و یا از بین بردن پیامدها و تبعات منفی در این بخش از اقتصاد را برای زنان به همراه دارد. بر این اساس، باتوجه‌به آنچه گفته شد، سوالات پژوهش عبارتند از:

۱. وضعیت کنونی (نمای کنونی) شرایط اشتغال به کار زنان شاغل در بخش غیر رسمی بازار کار به چه صورت است؟

۲. زنان شاغل در بخش غیررسمی دلایل ورود خود به بخش غیررسمی را چگونه تفسیر می‌کنند؟

۳. استراتژی‌های مقاومت کارگران زن در برابر فشارهای روانی و اجتماعی کدام است؟

۴. پیامد حضور آنها در بخش غیررسمی اشتغال چیست؟

۵. دیدگاه نخبگان در مورد اشتغال زنان در بخش غیررسمی و منابع و مصارف سازمان چگونه است؟

در یک نمای کلی، پژوهش‌های انجام شده در این زمینه را می‌توان چنین تحلیل نمود:

جدول ۱. عوامل موثر بر اشتغال زنان در بازار غیررسمی بر اساس پژوهش‌های انجام شده

ردیف	نوع علت	عوامل موثر بر اشتغال زنان در بخش غیررسمی	عنوان پژوهش
۱		کم سواد یا بی سواد زنان شاغل در این بخش (فقدان سواد)	<ul style="list-style-type: none"> تجربه زیسته زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی (۱۳۹۵)؛ علی اصغر درویشی فرد، میترا جسک و خدیجه فیضی پور عوامل موثر بر اشتغال غیررسمی زنان جوان در ایران (۱۳۹۳)؛ زهرا کریمی موعاری و الهام جهان تیغ
		حداقل مهارت و تخصص آنها (فقدان مهارت)	<ul style="list-style-type: none"> تجربه زیسته زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی (۱۳۹۵)؛ علی اصغر درویشی فرد، میترا جسک و خدیجه فیضی پور بررسی توصیفی جمعیت‌شناختی دستفروشی زنان در شهر تهران (۱۳۹۷)؛ سارا یوسفی تجربه زیسته کارگران زن در بخش غیررسمی اقتصاد ایران (مطالعه موردی کارگران غیررسمی زن استان تهران) (۱۳۹۸)؛ فاطمه جعفری، محمدسعید ذکایی، محمد زاهدی اصل و فرشاد مومنی
	فردی و خانوادگی	فقدان سرمایه	<ul style="list-style-type: none"> بررسی توصیفی جمعیت‌شناختی دستفروشی زنان در شهر تهران (۱۳۹۷)؛ سارا یوسفی تجربه زیسته کارگران زن در بخش غیررسمی اقتصاد ایران (مطالعه موردی کارگران غیررسمی زن استان تهران) (۱۳۹۸)؛ فاطمه جعفری، محمدسعید ذکایی، محمد زاهدی اصل و فرشاد مومنی بررسی و تحلیل نقش مهاجرت‌های روستایی در ایجاد بخش غیررسمی؛ مطالعه موردی کلان شهر تبریز (۱۳۹۵)؛ میرستار صدرموسوی، محمدرضا پورمحمدی و داریوش ظفری
		نبود عزت نفس	<ul style="list-style-type: none"> تجربه زیسته کارگران زن در بخش غیررسمی اقتصاد ایران (مطالعه موردی کارگران غیررسمی زن استان تهران) (۱۳۹۸)؛ فاطمه جعفری، محمدسعید ذکایی، محمد زاهدی اصل و فرشاد مومنی
		آگاهی پایین از مشاغل موجود	تحلیل بر وضعیت شاغلان بخش اقتصاد غیررسمی (مطالعه موردی: شهر قروه) (۱۳۹۴)؛ محمد ویسیان، میرنجف موسوی، طاهاربان‌ی و واحد احمدنوزه
		از کار افتادگی و یا اعتیاد مرد خانه (کمک به همسر جهت تأمین مخارج خانواده)	<ul style="list-style-type: none"> تجربه زیسته زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی (۱۳۹۵)؛ علی اصغر درویشی فرد، میترا جسک و خدیجه فیضی پور ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی زنان شاغل در بخش غیررسمی (مورد: منطقه ۲ شهر رشت) (۱۳۹۴)؛ مریم جعفری مهرآبادی و ربابه محمدزاده
		فوت همسر و یا طلاق (بی سرپرست بودن)	<ul style="list-style-type: none"> تجربه زیسته زنان شاغل در کارگاه‌های تولیدی (۱۳۹۵)؛ علی اصغر درویشی فرد، میترا جسک و خدیجه فیضی پور عوامل موثر بر اشتغال غیررسمی زنان جوان در ایران (۱۳۹۳)؛ زهرا کریمی موعاری و الهام جهان تیغ

ردیف	نوع علت	عوامل موثر بر اشتغال زنان در بخش غیررسمی	عنوان پژوهش
۲	اجتماعی و محیطی	مهاجرت از روستا به شهر	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی توصیفی جمعیت‌شناختی دستفروشی زنان در شهر تهران (۱۳۹۷)؛ سارا یوسفی • ویژگی‌های اقتصادی - اجتماعی زنان شاغل در بخش غیررسمی (مورد: منطقه ۲ شهر رشت) « (۱۳۹۴)؛ مریم جعفری مهر آبادی و ربابه محمد زاده
		سکونت در مناطق حاشیه نشین	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی شاغلان بخش غیررسمی در مادرشهر تبریز (نمونه موردی سبزه میدان) (۱۳۸۸)؛ فیروز جمالی، میرستار صدر موسوی و پروین دخت لیوارجانی
		عدم دسترسی به تسهیلات اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی ویژگی‌های اجتماعی - اقتصادی شاغلان بخش غیررسمی در مادرشهر تبریز (نمونه موردی سبزه میدان) (۱۳۸۸)؛ فیروز جمالی، میرستار صدر موسوی و پروین دخت لیوارجانی
		زنانه بودن محیط مترو و امنیت آن	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی انسان‌شناسی پدیده دست‌فروشی در تهران بر پایه مطالعه موردی زنان دست‌فروش مترو (۱۳۹۰)؛ مریم حسین یزدی
		نداشتن صاحب کار و احساس رئیس بودن	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی انسان‌شناسی پدیده دست‌فروشی در تهران بر پایه مطالعه موردی زنان دست‌فروش مترو (۱۳۹۰)؛ مریم حسین یزدی
		ورود و خروج راحت به این شغل	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی انسان‌شناسی پدیده دست‌فروشی در تهران بر پایه مطالعه موردی زنان دست‌فروش مترو (۱۳۹۰)؛ مریم حسین یزدی
		خریدار زیاد در مترو	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی انسان‌شناسی پدیده دست‌فروشی در تهران بر پایه مطالعه موردی زنان دست‌فروش مترو (۱۳۹۰)؛ مریم حسین یزدی
		متناسب بودن هوای مترو با فصول	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی انسان‌شناسی پدیده دست‌فروشی در تهران بر پایه مطالعه موردی زنان دست‌فروش مترو (۱۳۹۰)؛ مریم حسین یزدی
۳	اقتصادی	شرایط بازار کار دوگانه (دسترسی محدود و نابرابر به فرصت‌های کسب درآمد و وجود موانع برای مشارکت در بازار کار رسمی)	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی توصیفی جمعیت‌شناختی دستفروشی زنان در شهر تهران (۱۳۹۷)؛ سارا یوسفی • بررسی جایگاه شاغلان بخش غیررسمی در پایداری اقتصاد شهری (مطالعه موردی: کلان شهر تبریز) (۱۳۹۷)؛ داریوش ظفری، میرستار صدر موسوی و محمدرضا پورمحمدی
		ایجاد شغل دوم در کنار شغل اصلی (نیاز مالی)	<ul style="list-style-type: none"> • بررسی توصیفی جمعیت‌شناختی دستفروشی زنان در شهر تهران (۱۳۹۷)؛ سارا یوسفی • تحلیل بر وضعیت شاغلان بخش اقتصاد غیررسمی (مطالعه موردی: شهر قروه) (۱۳۹۴)؛ محمد وسیان، میرنجف موسوی، طاهار ربانی و واحد احمدتوزه

بر پایه جدول فوق، می‌توان گفت عوامل موثر بر ورود زنان به بخش اشتغال غیررسمی را به‌طور کلی می‌توان در سه دسته فردی- خانوادگی، اجتماعی- محیطی و اقتصادی دسته‌بندی نمود. باتوجه‌به جدول فوق، می‌توان چنین ابراز نمود که عوامل فقدان سرمایه کافی، فقدان سواد و تحصیلات، مهاجرت از روستا به شهر، نبود تخصص کافی، نبود مهارت کافی و سرپرست خانوار بودن دارای بیشترین روایی بوده‌اند.

۲. چهارچوب مفهومی پژوهش

نظریات گفته شده در این بخش را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: دسته اول شامل نظریات دوگانه‌انگاری، ساختارگرایی و فمینیست سوسیالیست و دسته دوم «بهره‌کشی جنسیتی» و «دوگانه نابرابر (رسمی- غیررسمی) شغلی» چهارچوب مفهومی پژوهش حاضر را تشکیل می‌دهند که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

مفهوم بهره‌کشی جنسیتی ناظر بر این است که به شیوه‌های سیستماتیک انواع سیستم‌ها و ظلم‌ها بر زنان بر پایه جنسیت آنها اعمال شود. بهره‌کشی جنسیتی انواع فراوانی دارد اما آنچه در این پژوهش مدنظر است، بهره‌کشی جنسیتی در میدان اقتصاد و در حوزه اشتغال است. میدانی که به لحاظ قدرت، روابط نابرابر بین کارگران زن و کارفرمایان وجود دارد. از یک طرف، در دوران کنونی زنان نیز همانند مردان خواهان حضور یافتن در میدان اقتصاد و اشتغال هستند و از طرف دیگر، از آنجاکه چنین میدانی در گستره و فضای بزرگ‌تر نابرابری جنسیتی واقع شده است، بسترساز محرومیت‌های جدید زنان در میدان اشتغال است و این مسئله در روی آوردن آنها به بخش غیررسمی اقتصاد و اشتغال تجلی می‌یابد که شیوه نوینی از بهره‌کشی‌ها را در این حوزه تجربه می‌کنند (داناوان، ۲۰۰۰: ۲۵). منظور از مفهوم دوگانه نابرابر (رسمی- غیررسمی) شغلی این است که قرار گرفتن در بخش غیررسمی اشتغال با محرومیت از مزایا و منابع در یک رابطه نامتوازن قدرتی همراه می‌باشد. قرار گرفتن در چنین موقعیتی با بهره‌کشی‌های اقتصادی از جمله درآمد پایین، ساعات کار طولانی، محرومیت از انواع بیمه و تأمین اجتماعی، عدم امنیت و ثبات شغلی و مانند آن همراه است (کلیمچوک، و کلیمچوک-کوچانسکا، ۲۰۱۶: ۳؛ کوگان، ۲۰۰۷: ۲۲؛ لوورج و موک، ۱۹۷۹: ۴۲ و گارز، ۲۰۱۳: ۵۱). کارگران از حقوق بنیادین اشتغال همچون مشارکت در تشکل‌های کارگری غیروابسته، حق اعتصاب برای اعتراض به شرایط و شیوه کار و دستمزد و سایر خدمات رفاهی، حداقل دستمزد برای یک زندگی مناسب، حقوق بیکاری، برخورداری از بیمه درمانی برای خود و خانواده و سایر حقوق برخوردارند و هیچ یک از این حقوق وجود ندارد و کارگر بخش غیررسمی از تمامی این حقوق محروم است (واموتینا، ۲۰۰۹: ۱۴؛ رودریگز، ۲۰۰۹: ۲۰۰۹؛ لتر چن، ۲۰۱۲: ۴). بر این اساس می‌توان گفت، در کنار فضای نابرابری جنسیتی عامی که وجود دارد

(نظریه فمینیست سوسیالیست)، حضور زنان در بخش غیررسمی تحت تأثیر عواملی همچون نقش ساختاری که به زنان در نظام سرمایه‌داری اختصاص یافته است (نظریه ساختارگرایی) و دو بخشی بودن بازار کار به رسمی و غیررسمی و نبود مزایای حمایتی در بخش غیررسمی (نظریه دوگانگی بازار) است. براساس نظریات مطرح شده به علت وجود ویژگی‌هایی همچون پاره وقت بودن، نایمن بودن و سایر ویژگی‌هایی که متناسب با نقش اصلی زنان در حوزه خصوصی است، آنها وارد میدان اشتغال غیررسمی می‌شوند. در جدول ذیل به اختصار عوامل مورد اشاره هر نظریه آمده است:

جدول ۲. عوامل مورد اشاره نظریات

ردیف	نظریه	عوامل مورد اشاره نظریه که بر ورود زنان به بخش غیر رسمی موثر است
۱	دوگانگی بازار	<ul style="list-style-type: none"> • فقر • مهاجرین روستایی • کمی مهارت یا فقدان مهارت • عدم امکان پیوستن به بخش رسمی
۲	ساختارگرایی	<ul style="list-style-type: none"> • سرمایه‌داری و استفاده از نیروی کار ارزان • ناهمخوانی قانون با شرایط کنونی • آسیب‌پذیر بودن افراد به لحاظ اقتصادی و اجتماعی • مهارت کم یا فقدان مهارت
۳	قانون گرایی	<ul style="list-style-type: none"> • ناکارآمدی قانون • مهاجرت از روستا به شهر • کاهش دسترسی به آموزش و مهارت کم • کاهش دسترسی به زیرساخت‌های شهری • کاهش دسترسی به یارانه‌های مسکن
۴	فمینیست سوسیالیسم	<ul style="list-style-type: none"> • فضای نابرابر جنسیتی • پدرسالاری • سرمایه‌داری

۳. روش‌شناسی پژوهش

برای انجام این پژوهش، پارادایم تفسیری و رویکرد روش‌شناختی نظریه زمینه‌ای و تحلیل مضمون استفاده شده است. در پژوهش حاضر، برای بررسی ادبیات نظری و تجربی از مطالعات اسنادی - کتابخانه‌ای، جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات از رویکرد نظریه زمینه‌ای و تحلیل مضمون و همچنین

برای جمع‌آوری اطلاعات میدانی از ابزار مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختار یافته، با هدف بررسی موضوع مورد مطالعه در جامعه هدف استفاده شده است. با روش نمونه‌گیری هدمند با ۵۰ نفر از زنان شاغل در بخش غیررسمی و ۲۵ مصاحبه فردی با صاحب‌نظران حوزه غیررسمی اقتصاد و اشتغال (اجرایی و دانشگاهی) مصاحبه شده است. جداول ذیل اطلاعات زمینه‌ای مصاحبه‌شوندگان (زنان شاغل در بخش غیررسمی و صاحب‌نظران حوزه اشتغال غیررسمی) را نشان داده است:

جدول ۳. اطلاعات زمینه‌ای جمعیت نمونه پژوهش (زنان شاغل در بخش غیررسمی)

ردیف	سن	وضعیت تأهل	تحصیلات	نوع شغل	نوع مهارت
۱	۲۰	مجرد	دیپلم	دست فروش مترو	فاقد مهارت
۲	۲۴	مجرد	لیسانس	دست فروش مترو	کامپیوتر
۳	۲۸	متأهل	دیپلم	پرستار بچه	فاقد مهارت
۴	۲۲	مجرد	دیپلم	کارگر در کارگاه صنعتی	فاقد مهارت
۵	۲۵	مجرد	فوق دیپلم	فروشنده پاساژ	فاقد مهارت
۶	۳۰	متأهل	دیپلم	خیاط در کارگاه تولیدی	خیاطی
۷	۳۲	متأهل	دیپلم	سرپرست خوابگاه	کامپیوتر
۸	۳۵	متأهل	دیپلم	فروشنده پاساژ	کامپیوتر
۹	۳۸	متأهل	سیکل	پرستار سالمند	فاقد مهارت
۱۰	۴۰	متأهل	سیکل	دست فروش مترو	فاقد مهارت
۱۱	۴۲	مطلقه	سیکل	دست فروش مترو	فاقد مهارت
۱۲	۴۱	متأهل	سیکل	پرستار بچه	فاقد مهارت
۱۳	۴۳	مطلقه	پنجم ابتدایی	نظافتچی منزل	فاقد مهارت
۱۴	۲۵	مجرد	لیسانس	پرستار بچه	کامپیوتر
۱۵	۲۴	مجرد	لیسانس	پرستار بچه	کامپیوتر
۱۶	۲۶	مجرد	لیسانس	نظافتچی منزل	کامپیوتر
۱۷	۲۸	مجرد	لیسانس	کارگر در کارگاه صنعتی	کامپیوتر
۱۸	۲۱	مجرد	دیپلم	فروشنده پاساژ	کامپیوتر
۱۹	۲۶	مجرد	فوق دیپلم	نظافت چی	فاقد مهارت
۲۰	۲۸	مجرد	فوق دیپلم	منشی	کامپیوتر
۲۱	۳۱	متأهل	دیپلم	منشی	کامپیوتر

ردیف	سن	وضعیت تأهل	تحصیلات	نوع شغل	نوع مهارت
۲۲	۳۵	متاهل	سیکل	نظافت چی	فاقد مهارت
۲۳	۳۴	متاهل	سیکل	کارگر در آشپز خانه	فاقد مهارت
۲۴	۳۳	متاهل	فوق دیپلم	دست فروش مترو	فاقد مهارت
۲۵	۳۶	متاهل	دیپلم	دست فروش مترو	فاقد مهارت
۲۶	۳۴	متاهل	دیپلم	کارگر در آشپز خانه	فاقد مهارت
۲۷	۳۵	متاهل	دیپلم	کارگر در آشپز خانه	فاقد مهارت
۲۸	۲۱	مجرد	دیپلم	ظرف شور آشپز خانه	فاقد مهارت
۲۹	۲۵	متاهل	لیسانس	پرستار بچه	کامپیوتر
۳۰	۲۴	مجرد	فوق دیپلم	پرستار بچه	کامپیوتر
۳۱	۲۷	مجرد	فوق لیسانس	پرستار سالمند	کامپیوتر
۳۲	۲۸	مجرد	فوق لیسانس	پرستار سالمند	کامپیوتر
۳۳	۲۳	مجرد	فوق دیپلم	دست فروش مترو	فاقد مهارت
۳۴	۲۲	مجرد	دیپلم	دست فروش مترو	فاقد مهارت
۳۵	۲۵	مجرد	دیپلم	منشی	فاقد مهارت
۳۶	۲۹	مجرد	لیسانس	کارگر در کارگاه صنعتی	فاقد مهارت
۳۷	۳۰	متاهل	دیپلم	منشی	کامپیوتر
۳۸	۳۲	متاهل	لیسانس	منشی	کامپیوتر
۳۹	۳۵	مطلقه	دیپلم	دست فروش مترو	فاقد مهارت
۴۰	۳۶	متاهل	دیپلم	دست فروش مترو	فاقد مهارت
۴۱	۳۸	مطلقه	سیکل	فروشنده پاساژ	فاقد مهارت
۴۲	۳۴	متاهل	فوق دیپلم	نظافتچی	فاقد مهارت
۴۳	۳۱	متاهل	لیسانس	دست فروش مترو	فاقد مهارت
۴۴	۲۵	مجرد	لیسانس	کارگر در کارگاه صنعتی	کامپیوتر
۴۵	۲۸	مجرد	دیپلم	پرستار سالمند	فاقد مهارت
۴۶	۲۷	مجرد	دیپلم	پرستار بچه	فاقد مهارت
۴۷	۳۰	مجرد	سیکل	دست فروش مترو	فاقد مهارت
۴۸	۳۱	مجرد	دیپلم	کارگر در کارگاه صنعتی	فاقد مهارت
۴۹	۳۲	مجرد	دیپلم	دست فروش مترو	فاقد مهارت
۵۰	۳۶	متاهل	دیپلم	نظافتچی	فاقد مهارت

جدول ۴. اطلاعات زمینه‌ای جمعیت نمونه پژوهش
(صاحب‌نظران حوزه غیررسمی اقتصاد و اشتغال و تأمین اجتماعی)

ردیف	تحصیلات	نوع اشتغال (اجرایی یا دانشگاهی)	سابقه حضور در این حوزه تخصصی (سال)
۱	دکتری جامعه‌شناسی	دانشگاهی	۷
۲	دکتری رفاه اجتماعی	دانشگاهی	۱۰
۳	دکتری مدیریت	اجرایی	۲۲
۴	دکتری اقتصاد	اجرایی	۱۵
۵	دکتری جامعه‌شناسی	دانشگاهی	۵
۶	دکتری سیاستگذاری	اجرایی	۲۴
۷	دکتری حقوق	دانشگاهی	۸
۸	دکتری مدیریت	اجرایی	۸
۹	دکتری حقوق	دانشگاهی	۱۰
۱۰	دکتری اقتصاد	اجرایی	۸
۱۱	دکتری جامعه‌شناسی	دانشگاهی	۱۱
۱۲	کارشناسی ارشد اقتصاد	اجرایی	۹
۱۳	دکتری اقتصاد	اجرایی	۱۲
۱۴	دکتری رفاه اجتماعی	دانشگاهی	۹
۱۵	کارشناسی ارشد اقتصاد	اجرایی	۱۳
۱۶	دکتری رفاه اجتماعی	اجرایی	۱۳
۱۷	دکتری اقتصاد	دانشگاهی	۱۵
۱۸	دکتری اقتصاد	اجرایی	۸
۱۹	دکتری جامعه‌شناسی	اجرایی	۷
۲۰	دکتری اقتصاد	دانشگاهی	۱۶
۲۱	دکتری رفاه اجتماعی	اجرایی	۱۵
۲۲	دکتری اقتصاد	اجرایی	۱۱
۲۳	دکتری اقتصاد	دانشگاهی	۷
۲۴	دکتری جامعه‌شناسی	اجرایی	۸
۲۵	دکتری اقتصاد	اجرایی	۱۵

یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها به شیوه اثبات از طریق مثال^۱ توصیف‌شده و مصادیق هر یک از مضمون‌ها به‌عنوان اشکالی از «تعاملات اجتماعی» (فی، ۱۳۸۱: ۱۱۲) ارائه گردید. بدین ترتیب جهت حفظ تطابق برداشت‌های منحصربه‌فرد هر یک از مصاحبه‌شوندگان با محورهای موردنظر، بخش‌هایی از متون مصاحبه ذکر شده است. منطبق با رویکرد گوبا و لینکلن (۱۹۸۲)، به‌جای اعتبار و روایی کمی از معیار اعتمادپذیری یا قابلیت اعتماد^۲ استفاده شده که خود در بردارنده چهار معیار مجزا اما مرتبط به هم شامل باورپذیری (درگیری طولانی‌مدت و مشاهده مداوم متن و دقت در اجرای فنون و فرآیند کار میدانی)، اطمینان‌پذیری (بهره‌گیری از فرایندی ساختاریافته جهت یادداشت‌برداری گسترده و تیزبینانه سر صحنه و نگارش و استفاده از فن «کدگذار ناشناس»)، تأییدپذیری (بازاندیشی پس از هر مصاحبه و به‌نگارش درآوردن تأثیرپذیری‌های فردی از فرایند و روند مصاحبه) و انتقال‌پذیری (ارائه جزئیاتی شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان و ذکر توصیف وضعیت و زمینه مطالعه، جزئیات نمونه و عرصه پژوهش) است.

۵. یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش در چهار بخش به شرح ذیل ارائه می‌گردند:

۵-۱. وضعیت زنان در بخش غیررسمی اشتغال

آمار و اطلاعات مربوط به جمعیت غیرفعال حاکی از آن است که جمعیت غیرفعال مرد و زن طی دوره ۱۳۸۸ تا ۱۴۰۱ افزایش یافته است و این افزایش برای زنان روند فزاینده‌تری داشته و از ۲۳/۱ میلیون نفر در سال ۱۳۸۸ به ۲۷/۵ در سال ۱۴۰۱ رسیده است (طرح آمارگیری نیروی کار مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱). مطابق با آمار و اطلاعات طرح آمارگیری نیروی کار، مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۱ بیش از ۱۳ میلیون نفر از شاغلین کشور در جرگه اشتغال غیررسمی قرار می‌گیرند. نکته قابل توجه آن است که در میان جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر، اشتغال غیررسمی سهم بیشتری نسبت به شاغلان رسمی دارد؛ به‌نحویکه در سال ۱۴۰۱ تعداد شاغلان غیررسمی ۱۳/۳ میلیون نفر و تعداد شاغلان رسمی ۱۰/۴ میلیون نفر بوده است. از ۱۳/۳ میلیون نفر شاغل غیررسمی حدود ۴/۴ میلیون نفر در بخش رسمی مشغول به فعالیت بوده و ۸/۸ میلیون نفر در خارج از بخش رسمی به فعالیت مشغول هستند. اشتغال غیررسمی سهمی بالای ۵۵ درصد از کل اشتغال کشور را دارا می‌باشد.

1- Verification by Example

2- Trust worthiness

جدول ۵. جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیش تر بر حسب وضع اشتغال (رسمی یا غیر رسمی)
به تفکیک بخش (رسمی، غیر رسمی یا خانوار)

سال	شرح	بخش رسمی	خارج از بخش رسمی	کل
۱۳۹۸	اشتغال رسمی	۹۵۵۰	۸۸	۹۶۳۸
	اشتغال غیررسمی	۴۵۱۲	۱۰۱۰۹	۱۴۶۲۳
۱۳۹۹	اشتغال رسمی	۹۴۸۰	۹۱	۹۵۷۱
	اشتغال غیررسمی	۴۲۴۵	۹۴۴۷	۱۳۶۹۲
۱۴۰۰	اشتغال رسمی	۹۸۷۶	۱۰۱	۹۹۷۷
	اشتغال غیررسمی	۴۳۲۴	۹۱۴۷	۱۳۴۷۱
۱۴۰۱	اشتغال رسمی	۱۰۳۴۲	۷۰	۱۰۴۱۲
	اشتغال غیررسمی	۴۴۱۵	۸۸۸۸	۱۳۳۰۳

از آنجا که تمرکز مطالعه پیش رو وضعیت اشتغال غیررسمی در بین زنان است، به بررسی آن به تفکیک جنس طی دوره ۱۳۹۸-۱۴۰۱ پرداخته شد. مطابق آمار و اطلاعات ارائه شده مشخص گردید که سهم اشتغال غیررسمی در بین اشتغال هر گروه جنسی در کشور ما بیش از ۵۰ درصد است. به طور مثال در بین ۳/۶ میلیون نفر شاغل زن بیش از ۲ میلیون نفر دارای اشتغال غیررسمی بوده که سهم ۵۶/۴ را به خود اختصاص داده است.

جدول ۶. جمعیت شاغل ۱۵ ساله و بیش تر به تفکیک جنس بر حسب وضع اشتغال (رسمی یا غیر رسمی)

	۱۳۹۸			۱۳۹۹			۱۴۰۰			۱۴۰۱		
	کل	اشتغال رسمی	اشتغال غیر رسمی	کل	اشتغال رسمی	اشتغال غیر رسمی	کل	اشتغال رسمی	اشتغال غیر رسمی	کل	اشتغال رسمی	اشتغال غیر رسمی
تعداد	مرد	۱۹/۹۵۲/۹۹۲	۸/۰۷۲/۵۳۷	۱۱/۵۲۴/۸۶۱	۱۹/۶۰۵/۳۷۴	۸/۰۸۰/۵۱۳	۱۱/۰۷۶/۰۸۸	۱۹/۹۳۲/۰۰۴	۸/۴۵۵/۹۱۷	۱۱/۲۴۳/۰۲۵	۲۰/۰۶۳/۸۶۲	۸/۸۲۰/۸۳۷
	زن	۴/۳۲۰/۵۲۵	۱/۵۶۵/۵۶۷	۲/۰۶۶/۹۹۲	۳/۶۵۷/۶۷۳	۱/۴۹۰/۶۸۰	۱/۹۹۴/۶۵۰	۳/۵۱۵/۴۴۸	۱/۵۲۰/۷۹۸	۲/۰۶۰/۲۴۸	۳/۰۵۱/۹۴۸	۱/۵۹۱/۷۰۰
سهم	مرد	۱۰۰	۴۱	۵۹	۱۰۰	۴۱	۵۷/۶	۱۰۰/۰	۴۲/۴	۵۶/۰	۴۴/۰	
	زن	۱۰۰	۳۶	۶۴	۱۰۰	۴۱	۵۶/۷	۱۰۰/۰	۴۳/۳	۴۳/۶	۵۶/۴	

گفتنی است این نسبت نیز برای مردان از درصد بالایی برخوردار است. لذا به نظر می‌رسد یکی از گلوگاه‌های اصلی اشتغال در کشور بحث اشتغال غیررسمی و فرار از قوانین و مقررات مربوطه است. علاوه بر این، مطابق آمار و اطلاعات دریافتی برای سال ۱۴۰۱ سهم اشتغال زنان در خارج از بخش رسمی بیش از ۳۴ درصد و در بخش رسمی ۶۶ درصد است.

۵-۲. مصاحبه با زنان شاغل در بخش غیررسمی

تحلیل مصاحبه‌های انجام شده با زنان شاغل در این بخش به نتایج زیر انجامید:

عوامل علی: بر پایه کدگذاری مصاحبه‌های انجام شده با زنان شاغل در بخش غیررسمی، شرایط علی حضور آنها در این بخش عبارتند از: تله محرومیت چندگانه سرمایه‌ای و استقلال منعطف. مفهوم «تله محرومیت چندگانه سرمایه» یک مفهوم چندبعدی است و نبود هر بعد آن، نبود ابعاد دیگر را تقویت می‌کند. برای مثال یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین بیان نموده است:

«همسرم به مدت توی یه شرکت کار می‌کرد ولی از سرکار از بلندی افتاد. چون پول آنچنانی نداشتیم که بهش رسیدگی کنیم، پاش عفونت کرد و الان زمین‌گیر شده و من سرپرست و نان آور خونه شدم. اگه من سرکار نیام نونی برا خوردن نداریم. مجبورم که میام.»

مفهوم «استقلال منعطف» اشاره به این مسئله دارد که در پاره‌ای از موارد زنان بخش غیررسمی اشتغال را به این دلیل انتخاب می‌کنند که می‌توانند به صورت پاره‌وقت در آن حضور داشته باشند. روایت یکی از زنان مورد مصاحبه، علت وارد شدن به این بخش را چنین عنوان نموده است:

«خیلی دوس داشتم استقلال مالی داشته باشم. الان پیش خانوادم زندگی می‌کنم و دانشجو هستم ولی دوس داشتم پول تووی جیبیمو خودم تأمین کنم تا هر جایی می‌خواستم برم یا هر چی می‌خواستم بخرم و به بابا رونندازم. این کار هم به سرمایه نیاز نداری و وقتی دست خودم هست هر زمانی که درس و دانشگاه داشته باشم می‌تونم نیام دیگه.»

عوامل زمینه‌ای: در این پژوهش، مقوله‌های رشد رو به ازدیاد مشاغل خدماتی در بخش غیررسمی و شاغل بودن به مثابه راهی برای اعتباریابی زن در جامعه شرایط زمینه‌ای ورود زنان به بخش غیررسمی را فراهم می‌کنند. در سال‌های اخیر بخش عمده اشتغال کشور به سمت خدمات سوق پیدا کرده است. در این مورد یکی از زنان شاغل در بخش غیررسمی چنین بیان داشته است:

«این‌گونه مشاغل در جامعه زیاد شده و خوبیشون اینه که بدون نیاز به پارتی می‌تونن سرکار بردن و شاغل بشن و اینکه دستت توو جیب خودت باشه. ولی برا شغل‌های دیگه تو باید یه نفر معرفیت کنه و فرایند شاغل شدنت خیلی طول می‌کشه.»

مفهوم «شاغل بودن به مثابه رای برای اعتباریابی زن در جامعه» اشاره به این مسئله دارد که در جامعه کنونی، زنان شاغل معمولاً نسبت به زنان خانه‌دار قدرت بالایی در تجزیه و تحلیل مسائل اجتماعی دارند. یکی از زنان مورد مصاحبه در این زمینه چنین بیان نموده است:

«منی تونستم بیکار بشینم و زنا‌ی دور و ورم همه شاغل باشن. حس کردم از اونا پایین ترم. پیش خودم فکر کردم برم سراغ کاری که نه مهارتی آنچنانی میخواد و نه سرمایه آنچنانی. بنابراین به سمت این شغل رفتم.»

عوامل مداخله‌ای: شرایط سخت اقتصادی و همکنشی با شاغلین بخش غیررسمی از جمله شرایط مداخله‌ای از نوع تهدید هستند که زنان شاغل در بخش غیررسمی، آنها را برای روایت تجربه خود عنوان نموده‌اند. مفهوم «شرایط سخت اقتصادی» ناظر به بی‌ثباتی اقتصادی است. روایت یکی از زنان مصاحبه‌شونده این مسئله را نشان می‌دهد:

«شرایط اقتصادی خیلی بد شده. الان شما نگاه کن دم به دقیقه قیمت هر کالایی داره بالا میره و تورم زیاد شده. خب این مسئله باعث شده خرج و مخارج خانواده‌ها زیاد شده.»

مفهوم دیگر در این مورد، «همکنشی با شاغلین غیررسمی» است. به‌زعم زنان شاغل در این حوزه، وجود دوستان، آشنایان و یا اعضای خانواده آنها در این بخش، به‌عنوان مشوقی برای آنها جهت ورودشان به بخش غیررسمی اشتغال بوده است. روایت یکی از مصاحبه‌شونده گویای این نکته است:

«چنتا از دوستان و آشنایان در این شغل هستن. منم دیدم خوبه؛ چون هم نیاز به مهارت و سرمایه اولیه نداره و هم اینکه دستت توو جیبته و به کسی محتاج نیستی به لحاظ مالی. برا همین منم به این کار تمایل پیدا کردم. البته بگم سختی خودش رو هم داره ولی باز می‌ارزه.»

استراتژی‌ها: استراتژی‌های اتخاذی زنان شاغل در این بخش بدین شرح بوده است: طرد اجتماعی (انزای اجتماعی)، مقاومت جسورانه و خط‌مشی‌های نرم. یکی از استراتژی‌های زنان شاغل در بخش غیررسمی در مواجهه با فشارهای اجتماعی و روانی، «طرد اجتماعی (انزای اجتماعی)» می‌باشد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد چنین بیان داشته است:

«خدا نکنه یه مسئله برام پیش بیاد، مثلاً به بی‌پولی بخورم یا هر مسئله دیگه. اصن سمت خونواده و دوستان نمیرم؛ چون می‌دونم حمایت که نمی‌کنن هیچ، تازه سرکوفت هم می‌زنن. تو با این شغلت آبروی ما رو بردی، این شغل نیست، این حمالی برا بقیه‌اس و از این جور حرفا. بنابراین سعی می‌کنم از شون دور باشم.»

استراتژی «مقاومت جسورانه» بدین معنا است که زن شاغل در بخش غیررسمی در برابر فشارهای اجتماعی و روانی شغل خود مقاومت می‌کند. برخی از مصاحبه‌شوندگان این بحث را با مفهوم «اعتراض

کردن» اظهار نموده‌اند. در این مورد یکی از مصاحبه‌شوندگان چنین بیان می‌کند:

«گاهی وقتا که تووی یه جمع هستم و بهم متلک می‌پروتن به خاطر شغلم، واکنش سریع و تند از خودم بروز میدم و به کسایی که به خودشون این حق را میدن که شغل من رو مسخره کنند اعتراض می‌کنم.»

استراتژی خط‌مشی‌های نرم، برخلاف استراتژی مقاومت جسورانه، که پیشتر ذکر شد، بر اقدامات منعطفی همچون توکل بر خدا و سکوت انفعالی و غیره اشاره دارد. در این خصوص روایت یکی از زنان مصاحبه‌شونده گویای این نکته است:

«من در موقع فشار و سختی سعی می‌نم به خدا توکل کنم. چون هیچ کاری از دست خودم برنمیاد و سعی می‌کنم کار رو به خدا واگذار کنم. البته وقتی این کار رو می‌کنم می‌بینم که فشار و تنش کمتر میشه و واقعاً خدا کمکم می‌کنه.»

پیامدها: براساس کدگذاری مصاحبه‌های انجام‌شده با زنان شاغل در بخش غیررسمی، پیامدهای اشتغال در این حوزه عبارتند از: آسیب‌ها و چالش‌های روحی (اشتغال تنشی)، آسیب‌ها و چالش‌های جسمی (اشتغال فرسایشی)، بازتعریف هویت بر مبنای اشتغال و زنا نه شدن اشتغال در بخش غیررسمی (پیش روی زنا نه). بسیاری از زنان شاغل در این بخش، اشتغال در این بخش را با چالش‌های روحی بسیاری همراه می‌دانند. روایت یکی از زنان مصاحبه‌شونده در این باره بدین قرار است:

«قبل اینکه وارد این شغل بشم روحیه‌ام خیلی بهتر بود، درسته وضع مالیم خوب نبود ولی حس می‌کنم شادتر بودم. ولی الان خیلی افسرده شدم؛ چون مردم خیلی بد نگاه می‌کنن و حس می‌کنم با نگاهشون تحقیرم می‌کنن. خب این برا من خیلی سخته.»

بسیاری از زنان مذکور، بر این باور بودند که اشتغال در این بخش چالش‌های جسمی زیادی به همراه دارد و همواره جسم را فرسوده و به سمت حالت فرسایشی می‌برد. روایت یکی از زنان مورد مصاحبه گویای این نکته است:

«کارم خیلی سخته. خیلی خسته میشم. به حدی که وقتی می‌رسم خونه جنازه‌ام. اینقد خستگی زیاد که فرداش که می‌خوام پیام سرکار باز سختی کار دیروز توو وجودمه. شب از درد خوابم نمی‌بره. من اگه دست خودم بود و کار دیگه‌ای بهم می‌دادن دیگه این کار رو کنار می‌ذاشتم.»

عده‌ای دیگر از مصاحبه‌شوندگان «بازتعریف هویت بر مبنای اشتغال» را به‌عنوان پیامد حضور در این حوزه بیان نموده‌اند. روایت یکی از زنان مورد مصاحبه این نکته را نشان می‌دهد:

«از وقتی سرکار رفتم حس می‌کنم بقیه خیلی روم حساب می‌کنن و مث قبل من رو به عنوان

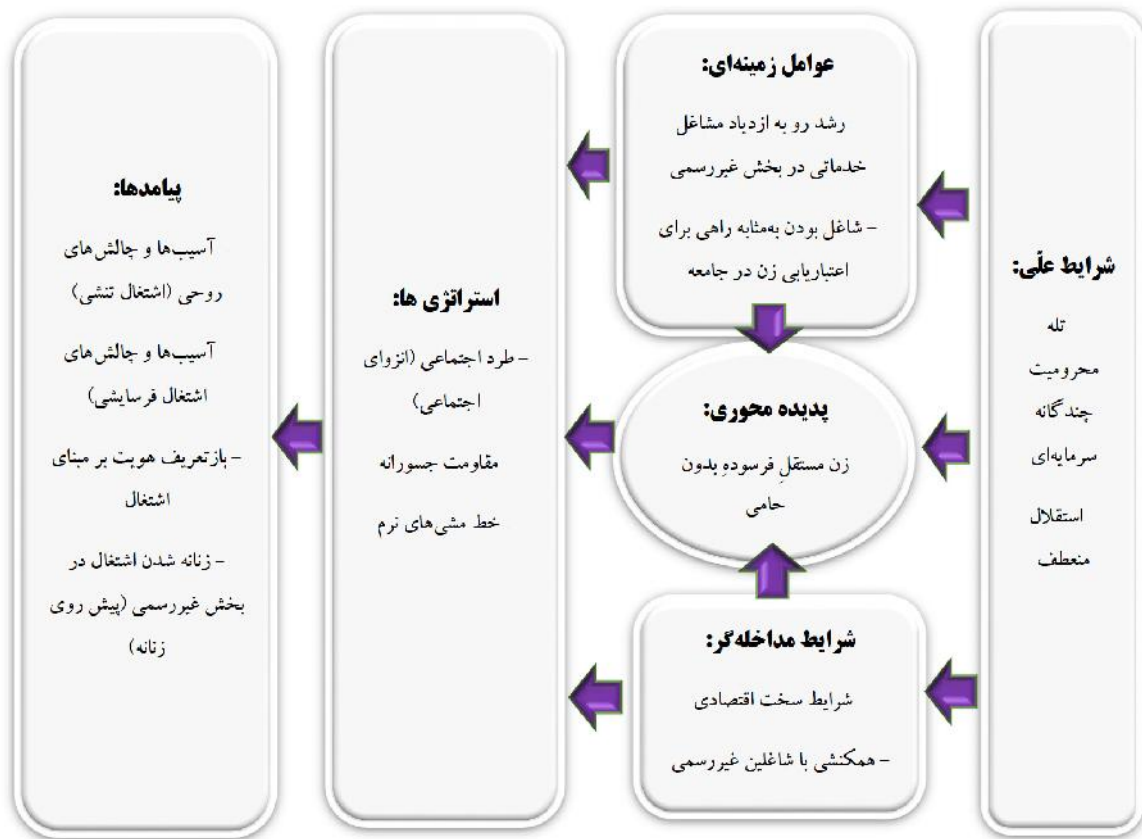
فردی که بی لیاقته نمی بینن. این طوری بگم که به نظرم یه منزلتی برام قائل هستن.»

یکی از پیامدهای حضور زنان شاغل در بخش غیررسمی و از آسیب‌های محیط کار، «زنانه شدن اشتغال در بخش غیررسمی (پیشروی زنانه)» است. روایت یکی از مصاحبه‌شوندگان این نکته را نشان می‌دهد:

«خیلی از دور و وریام به این سمت رفتن. منم تشویق شدم که برم سمت این‌طور مشاغل. به

نظرم اونقدی که زنا به سمت این مشاغل میرن، مردا نمیرن.»

مدل پارادایمی زیر، گویای مختصری از مباحث ذکر شده است:



شکل ۱. مدل پارادایمی تجربه زنان از اشتغال در بخش غیررسمی

۳-۵. مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه اشتغال غیررسمی

تحلیل متون مصاحبه با صاحب‌نظران نشان داد که تم اصلی «فقدان پیوستگی اشتغال زنان در بخش غیررسمی و مصارف و منابع سازمان» ناظر بر این مسئله است که اشتغال زنان در بخش غیررسمی و میزان این اشتغال هیچ‌گونه تأثیری بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی ندارد؛ چرا که حق

بیمه‌ای از آنها گرفته نمی‌شود. از این رو، سازمان نیز در قبال آنها هیچ‌گونه تعهدی ندارد و متقبل هزینه‌ای هم نمی‌شود. در مقابل عده‌ای دیگر از صاحب‌نظران بر این باور بوده‌اند که از آنجا که اشتغال غیررسمی منجر به بیمه‌پردازی نمی‌شود، سازمان تأمین اجتماعی از یک ظرفیت بالقوه درآمد حق بیمه‌ای محروم می‌شود و نمی‌تواند از محل اشتغال غیررسمی، درآمدی داشته باشد و بهره‌ای عایدش شود. این منابع بالقوه به همان حق بیمه زنان شاغل در این بخش اشاره دارد که به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نمی‌شود. یکی از صاحب‌نظران چنین بیان داشته است:

«تمامی شاغلین در بخش غیررسمی اعم از زنان و مردان هیچ تأثیری بر منابع و مصارف سازمان ندارند؛ چون پولی چیزی از شون گرفته نمیشه. بنابراین تعهدی از این لحاظ بار بر تأمین اجتماعی نمیشه.»

همچنین صاحب نظر دیگر نیز چنین اظهار داشته است:

«هیچ ارتباطی بین اشتغال زنان در بخش غیررسمی و منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی نمی‌بینم. رسمی بودن طبق آمارهای ما با بیمه بودن تعریف می‌شود. مگر اینکه بخواهیم در تعاریف و اصطلاحات آماری به اصلاحاتی انجام بدیم.»

جدول ذیل گویای دیدگاه نخبگانی در این زمینه است:

جدول ۷. تم‌های اصلی، مفاهیم ثانویه و مفاهیم اولیه مستخرج از متن مصاحبه (دیدگاه نخبگانی در مورد اشتغال زنان در بخش غیررسمی و منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی)

تم اصلی	مفاهیم ثانویه	مفاهیم اولیه
فقدان پیوستگی اشتغال زنان در بخش غیررسمی و مصارف و منابع سازمان	عدم ایجاد تعهد برای سازمان	عدم وجود دغدغه سازمان در مورد زنان شاغل در این بخش، عدم ایجاد بار برای سازمان، عدم اثر منفی بر روی منابع سازمان، عدم افزایش درآمدهای سازمان
	از دست دادن یک منبع بالقوه درآمدی	کم شدن تعداد مشتریان سازمان، کاهش ورودی به سازمان، محروم شدن از حق بیمه‌های این زنان، محروم شدن سازمان از یک ظرفیت بالقوه

۴-۵. مصاحبه با صاحب‌نظران حوزه اشتغال غیررسمی

در جدول ۶ راهکارهای سیاستی صاحب‌نظران عرصه تئوری و عمل برای پوشش تأمین اجتماعی زنان شاغل در بخش غیررسمی درج شده است.

**جدول ۶. تم‌های اصلی، مفاهیم ثانویه و مفاهیم اولیه مستخرج از متن مصاحبه
(دیدگاه نخبگانی در مورد راهکارهای سیاستی برای پوشش تأمین اجتماعی زنان شاغل در بخش غیررسمی)**

تم‌های اصلی	مفاهیم ثانویه	مفاهیم اولیه	ردیف
شبکه‌سازی؛ به مثابه ابزاری برای چانه‌زنی	مشارکت جمعی زنان شاغل در این بخش	کنار هم بودن آنها، منفعل نبودن زنان شاغل در این بخش، شرکت کردن آنها در رویدادها، دادخواهی کردن آنها در رویدادهای مرتبط	۱
	گروه‌بندی زنان شاغل در این بخش	پیدا کردن ویژگی‌های مشترک بین خود و دیگری که در این حوزه اشتغال دارند، دسته‌بندی آنها، متفاوت بودن نیازهای زنان شاغل در این بخش و لزوم گروه‌بندی آنها	
	ایجاد تشکل و انجمن‌ها	آگاهی از وضعیت هم‌نوعان خود، یک صدا شدن آنها، داشتن نماینده و صدا، مذاکره کردن با دولت، تشکیل اتحادیه‌ها، مذاکره کردن با کارفرما بدون استفاده از فشار حقوقی و قانونی	
توان‌گزینشی نمودن خدمات	تفکیک کردن خدمات بیمه‌ای	مجزا نمودن خدمات براساس نوع، مجزا نمودن خدمات براساس نرخ،	۲
	تنوع بخشیدن به آیتم‌های بیمه‌ای	متنوع کردن سبد خدمات بیمه‌ای، گزینشی کردن سبد بیمه‌ای، متنوع کردن تعرفه‌های حق بیمه	
	ارائه پکیج محصولات بیمه‌ای	تولید محصولات بیمه‌ای، ارائه بسته‌های متنوع بیمه‌ای، ارائه بسته‌های بیمه‌ای ارزان قیمت	
استقرار صندوق بیمه‌ای انفرادی	ایجاد صندوق‌های اختصاصی و ویژه این قشر	تشکیل صندوق‌هایی متناسب با ظرفیت‌های اقشار، ایجاد صندوق‌هایی با کیفیت‌های مختص به هر قشر، ایجاد صندوق‌های متنوع جهت بیمه‌پردازی	۳
	اختصاص سهم دولت برای این زنان (حضور آنها در لایه حمایتی)	حمایت دولت از زنان شاغل در بخش غیررسمی، به عهده گرفتن بخشی از حق بیمه این زنان توسط دولت	

۵-۴-۱. شبکه‌سازی، به‌مثابه ابزاری برای چانه‌زنی

به عقیده برخی از صاحب‌نظران، برای کاهش آسیب زنان شاغل در بخش غیررسمی، می‌توان از «شبکه‌سازی به‌مثابه ابزاری برای چانه‌زنی» به‌عنوان راهکار سیاستی استفاده کرد. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که ارتباط منسجم و پیوند ساختارمندی بین زیربخش‌های زنان شاغل در بخش غیررسمی وجود ندارد و این مسئله زمینه‌ساز نبود تشکل‌های کارگری بخش غیررسمی و همچنین بسترساز محرومیت و فقر است. عده‌ای از صاحب‌نظران نیز «گروه‌بندی شدن زنان شاغل در این بخش» را به‌عنوان یک راهکار بیان نموده‌اند. «ایجاد تشکل و انجمن‌ها» نیز یکی از راهکارهایی است که صاحب‌نظران به آن اشاره

کرده‌اند. روایت یکی از صاحب‌نظران مورد مصاحبه، این نکته را به‌درستی نشان داده است:

«اگر این زنان تشکیل اتحادیه بدن خیلی به نفعشون هست و می‌تونن مطالبه‌گری داشته باشن. حالا این مطالبه‌گری ممکنه برا بیمه باشه، ممکنه برا خدمات اجتماعی، یا برا تغییر دادن شرایطشون به‌طور کلی. بنابراین متحد شدن شون و تشکیل اتحادیه ضروری به نظر می‌رسه.»

۵-۴-۲. توان‌گزینشی نمودن خدمات

بسیاری از صاحب‌نظران راهکار «توان‌گزینشی نمودن خدمات» را برای حل مسئله زنان شاغل در بخش غیررسمی ارائه نموده‌اند. این راهکار ناظر بر این است که سازمان تأمین اجتماعی، خدمات و محصولات بیمه‌ای خود را تا حد امکان خرد نماید و در دسته‌بندی‌های تفکیک شده آنها را به مشتریان ارائه نماید. از این‌رو، یکی از راهکارهایی که در این زمینه، صاحب‌نظران مطرح نموده‌اند «تفکیک کردن خدمات بیمه‌ای» است. بحث دیگری که صاحب‌نظران در این زمینه مطرح نموده‌اند، «تنوع بخشیدن به بخش‌های بیمه‌ای» است. به‌زعم آنها، سازمان تأمین اجتماعی باید توانایی متنوع کردن بخش‌هایی بیمه‌ای خود را داشته باشد و همانند سایر بیمه‌ها از جمله بیمه تجاری، به بخش‌های بیمه‌ای خود تنوع بخشیده و سپس به مشتری عرضه کنند. بررسی و تحلیل متون مصاحبه نشان داد که برخی از صاحب‌نظران مصاحبه‌شونده به «ارائه پکیچ محصولات بیمه‌ای» به‌عنوان راهکار سیاستی در این زمینه اشاره کرده‌اند. روایت یکی از صاحب‌نظران گویای این نکته است:

«یه راهش تنوع بخشیدن به سازوکار گزینش و تعرفه‌های حق‌بیمه است. یعنی شما یه تعرفه متنوعی با طیفی از خدماتی که میدین رو باید جلو مخاطب بذارید، مخاطبی که زن خانه دار هست و تحت پوشش بیمه‌ای همسرش هست تنها بعد بازنشستگی بیمه را می‌خواهد.»

۵-۴-۳. استقرار صندوق بیمه‌ای انفرادی

بررسی و تحلیل متون مصاحبه نشان می‌دهد یکی از راهکارهایی که صاحب‌نظران جهت حل مسئله زنان شاغل در بخش غیررسمی به آن اشاره کرده‌اند، «استقرار صندوق بیمه‌ای انفرادی» است. راهکار مذکور ناظر بر این نکته است که از آنجا که برخی از شاغلین بخش غیررسمی درآمدهای ثابت ماهانه و یا درآمدهای بالایی ندارند، فرصتی برای آنها فراهم شود که چند ماه یکبار یا چند سال یکبار بتوانند سهم بیمه‌ای خود را پرداخت کنند. مفهوم «ایجاد صندوق‌های اختصاصی و ویژه این قشر» یکی از مفاهیم حاصله از تحلیل و واکاوی یافته‌های پژوهش به عقیده صاحب‌نظران در راستای راهکار «استقرار صندوق بیمه‌ای انفرادی» است. عده‌ای دیگر از صاحب‌نظران بخش غیررسمی اشتغال، استراتژی «اختصاص سهم دولت برای این زنان (حضور آنها در لایه حمایتی)» را جهت حل مسئله زنان شاغل در این بخش بیان نموده‌اند. در این زمینه یکی از صاحب‌نظران چنین بیان داشته است:

«یه جاهایی خود فرد حاضره خودش بیش از اون چیزی که قانون گفته مشارکت داشته باشه به جهت این که از اون ور عایدی بیشتری بگیره. ما حتی اینارو هم دسته بندی نکردیم. در مورد زنان شاغل در بخش غیررسمی که درآمد کمتری دارن و گاهی اوقات نمی تونن همیشه و سر وقت سهم بیمه‌ای خودشون پرداخت کنن؛ شرایطی به وجود بیاد که این افراد هم بتونن بدون زحمت خودشونو بیمه کنن. منظورم اینه که این قشر هم صندوق منحصر به خودشون رو داشته باشن.»

۶. بحث و نتیجه‌گیری

این نوشتار توصیفی - تحلیلی بر آن بود تا به وضعیت زنان شاغل در بخش غیررسمی را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. جهت دستیابی به این این هدف، پژوهش در سه فاز عملیاتی شد. در فاز اول که بررسی وضعیت موجود زنان شاغل در بخش غیررسمی بود، نتایج نشان داد که مطابق با آمار و اطلاعات طرح آمارگیری نیروی کار، مرکز آمار ایران در سال ۱۴۰۱ بیش از ۱۳ میلیون نفر از شاغلین کشور در جرگه اشتغال غیررسمی قرار می‌گیرند. نکته قابل توجه آن است که در میان جمعیت ۱۵ ساله و بیشتر، اشتغال غیررسمی سهم بیشتری نسبت به شاغلان رسمی دارد؛ به نحوی که در سال ۱۴۰۱ تعداد شاغلان غیررسمی ۱۳/۳ میلیون نفر و تعداد شاغلان رسمی ۱۰/۴ میلیون نفر بوده است. از ۱۳/۳ میلیون نفر شاغل غیررسمی حدود ۴/۴ میلیون نفر در بخش رسمی مشغول به فعالیت بوده و ۸/۸ میلیون نفر در خارج از بخش رسمی به فعالیت مشغول هستند. اشتغال غیررسمی سهمی بالای ۵۵ درصد از کل اشتغال کشور را دارا می‌باشد. همچنین مطابق آمار و اطلاعات ارائه شده مشخص گردید که سهم اشتغال غیررسمی در بین اشتغال هر گروه جنسی در کشور ما بیش از ۵۰ درصد می‌باشد. به‌طور مثال در بین ۳/۶ میلیون نفر شاغل زن بیش از ۲ میلیون نفر دارای اشتغال غیررسمی بوده که سهم ۵۶/۴ را به خود اختصاص داده است. براساس نتایج فاز دوم پژوهش، به طور کلی از جمله علل و عواملی که باعث شده است زنان به اشتغال در بخش غیررسمی روی آورند، می‌توان به تله محرومیت چنگانه سرمایه‌ای و استقلال منعطف، رشد رو به ازدیاد مشاغل خدماتی در بخش غیررسمی، شاغل بودن به مثابه راهی برای اعتباریابی زن در جامعه، شرایط سخت اقتصادی و همکنشی با شاغلین بخش غیررسمی اشاره کرد. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌هایی همچون (درویشی فرد و همکاران، ۱۳۹۵؛ کریمی موغاری و جهن تیغ، ۱۳۹۳؛ یوسفی، ۱۳۹۷؛ جعفری و همکاران، ۱۳۹۸؛ صدرموسوی و همکاران، ۱۳۹۵) هم‌راستایی داشته است. علاوه بر این، پیامدهای حضور زنان در این بخش آسیب‌ها و چالش‌های روحی (اشتغال تنشی)، آسیب‌ها و چالش‌های جسمی (اشتغال فرسایشی)، بازتعریف هویت بر مبنای اشتغال و زنانه شدن اشتغال در بخش غیررسمی (پیش روی زنانه) می‌باشد. نتایج فاز سوم نیز نشان داد که به عقیده صاحب‌نظران این حوزه، اشتغال زنان در بخش غیررسمی و میزان

این اشتغال هیچ گونه تأثیری بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی ندارد؛ چرا که حق بیمه‌ای از آنها گرفته نمی‌شود. از این رو، سازمان نیز در قبال آنها هیچ گونه تعهدی ندارد و متقبل هزینه‌ای هم نمی‌شود. علاوه بر این، متخصصان حوزه اشتغال غیررسمی بر این باور بودند که برای حمایت زنان شاغل در این بخش و کاهش پیامدهای منفی اشتغال در این حوزه برای آنها می‌توان راهکارهایی همچون شبکه‌سازی؛ به مثابه ابزاری برای چانه‌زنی، توان‌گزینشی نمودن خدمات و استقرار صندوق بیمه‌ای انفرادی را مطرح نمود.

به طور خلاصه می‌توان به چند نکته کلیدی به عنوان نتیجه‌گیری اشاره نمود:

۱. به دلایل عمده‌ای از قبیل سخت بودن شرایط اقتصادی و نیاز مالی و همچنین کسب استقلال مالی، ورود زنان به بخش غیررسمی اشتغال روبه‌افزایش است که این مسئله نشان می‌دهد باید برای مدیریت مسئله و کاهش پیامدهای منفی آن برای زنان، برنامه‌ریزی نمود.

۲. زنان شاغل در این بخش، بسیار خواهان حمایت از سوی نهادهای بیمه‌ای - حمایتی هستند؛ چرا که حضور طولانی مدت در این بخش، آنها با آسیب‌های جسمی و روحی زیادی مواجه کرده است و بر این عقیده‌اند با حضور در این حوزه، از بسیاری از حقوق اولیه خود بازمانده‌اند. از این رو، چنانچه نهادهای بیمه‌ای - حمایتی بتوانند از آنها حمایت کنند، درصدی از دردها و آلام آنها التیام پیدا خواهد کرد.

۳. از مهمترین راهکارهایی که زنان شاغل در این بخش می‌توان به وسیله آن، مطالبات خود را پیگیری نمایند، ایجاد شبکه و تشکل‌سازی در بین آنهاست. این امر مستلزم کسب آگاهی از شرایط خود، شناخت سایر افراد مشابه خود و ایجاد پیوند و انسجام بین آنهاست.

۴. هر چند به عقیده صاحب نظران، حضور زنان در بخش غیررسمی به خودی خود هیچ گونه تأثیری بر منابع و مصارف سازمان تأمین اجتماعی ندارد؛ اما با تحت پوشش درآوردن این افراد، سازمان به یک منبع بالقوه درآمدی دست خواهد یافت و اعتبار اجتماعی آن در بین افراد جامعه نیز افزایش می‌یابد. پیشنهادات سیاستی برآمده از نتایج پژوهش را می‌توان در دو دسته به قرار ذیل بیان نمود:

الف) پیشنهادات سیاستی برآمده از مصاحبه با متخصصان اشتغال غیررسمی: ارتقای سرمایه اقتصادی، ارتقای سرمایه اجتماعی، ارتقای مهارتی، ارتقای سرمایه (حقوقی) آگاهی از حقوق، تبیین ارزش کار دختران و زنان، راهکارهای اجرایی بهبود شرایط اقتصادی کشور، معرفی الگوی زن کامل از دیدگاه اسلامی - ایرانی، ساماندهی مشاغل غیر رسمی در اقتصاد کشور، زمینه‌سازی در جهت حرکت به سوی کاهش مشاغل غیر رسمی در کشور، ارتقای مدیریت فرهنگی و اجتماعی اقتصاد غیر رسمی، ارتقای مشارکت زنان در نقش اجتماعی آنان، فرهنگ‌سازی لازم برای مفهوم حمایت اجتماعی در کشور، ارتقای جایگاه معنویت و خودشناسی در باور زنان، کمک به ایجاد هویتی منعطف و واقع‌گرا

برای زنان و احصای ارزش افزوده (واقعی) مشاغل زنان در بخش های مختلف اقتصادی.

ب) پیشنهادات سیاستی برآمده از مصاحبه با متخصصان اشتغال غیررسمی: ایجاد نهاد تشکیلاتی برای شخصیت دهی حقوقی به زنان شاغل در بخش غیر رسمی، تنوع بخشی به نهادهای تشکیلاتی زنان در بخش غیر رسمی اقتصاد، ایجاد و تدوین و انتشار رویه های قانونی برای تشکیل و ایفای نقش نهادهای تشکیلاتی زنان در بخش غیر رسمی اشتغال، شناسایی نیازهای بیمه ای بالقوه و بالفعل زنان در بخش اقتصاد غیر رسمی، تدوین مقررات بیمه ای بر اساس سیاست های حمایتی کلان نظام برای زنان شاغل، اختصاص صندوقی مانند صندوق بیمه بیکاری به زنان شاغل در بخش غیر رسمی و هدایت قسمتی از یارانه های حمایتی به این صندوق، تدوین سند حمایت از اشتغال زنان در جمهوری اسلامی ایران و جهت دهی حمایت های غیر فعال به حمایت فعال از اشتغال زنان.

در پایان می توان اذعان داشت، اشتغال زنان در بخش غیررسمی، موضوع جدیدی نیست بلکه زاویه دید که از طریق آن به موضوع نگریسته می شود، بدیع و نو بوده است. در مواجهه و رویارویی با میدان پژوهش و بررسی نظریات موجود، مشکلات و محدودیت هایی در این پژوهش وجود داشت که با گذشت زمان و انجام مطالعات بیشتر نسبتاً مرتفع شدند. پرمشغله بودن بسیاری از مصاحبه شوندگان (به ویژه متخصصان این حوزه) هم یکی از مشکلات پژوهش حاضر بود؛ چون پژوهشگر نمی توانست به راحتی زمان مصاحبه را با مصاحبه شوندگان هماهنگ کند، یا این که چندین بار زمان مصاحبه لغو شد. این مسئله در مورد مصاحبه با زنان شاغل در این بخش نیز صدق می کرد. به نظر می رسد که داشتن نگاه تک بُعدی به مسئله حضور زنان در بخش غیررسمی اشتغال مطلوب نیست و بهبود این مسئله مستلزم نگاهی برآیندی و چندبُعدی است. در ادامه، به چند پیشنهاد پژوهشی اشاره می شود تا با انجام آن ها، زمینه و شرایط برای حضور زنان در حوزه اقتصاد و یا بخش غیررسمی اشتغال بهبود یابد:

• بررسی ذهنیت کارفرمایان نسبت به ورود زنان شاغل در بخش غیررسمی و توجه به راهکارهای آنها جهت بهبود زنان مورد بررسی؛

• بررسی تقنینی جهت مهیا کردن شرایط ورود زنان به بخش رسمی اشتغال؛

توسعه رویکرد کیفی در پژوهش در حوزه مسائل زنان، نتایج روشن و مقرون به واقعیت بیشتری را سبب خواهد شد و این امر مهم بیش از پیش باید مورد توجه جامعه پژوهشی قرار گیرد.

منابع

۱. حسین یزدی، مریم. (۱۳۹۰). بررسی انسان شناسی پدیده دست فروشی در تهران: مطالعه موردی زنان دست فروش در مترو، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
۲. درویشی فرد، علی اصغر؛ جسک، میترا و فیضی پور، خدیجه. (۱۳۹۴). تجربه زیسته زنان شاغل در کارگاه های تولیدی، فصلنامه مددکاری اجتماعی، ۲ (۵)، ۱۰۸ - ۷۶.
۳. فی، برایان. (۱۳۸۱). فلسفه امروزمین علوم اجتماعی با نگرشی چند فرهنگی، (مترجم: خشایار دیهیمی). تهران: طرح نو.
۴. کریمی موغاری، زهرا و جهان تیغ، حسین. (۱۳۹۳). عوامل موثر بر اشتغال غیر رسمی زنان جوان در ایران، مجله مطالعات زنان، ۳ (۲)، ۱۴۰ - ۱۱۶.
۵. مرکز آمار ایران. (۱۴۰۱). سالنامه طرح آمارگیری نیروی کار، تهران: مرکز آمار ایران.
۶. وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی. (۱۳۹۹). اقتصاد غیررسمی و جایگاه اشتغال غیررسمی در ایران، معاونت توسعه کارآفرینی و اشتغال، ناظر اجرایی، علاءالدین ازوجی.
7. A. Klimczuk, M. Klimczuk-Kochańska, Dual Labor Market, [in:] N. Naples, A. Wong, M. Wickramasinghe, R.C. Hoogland (eds.), The Wiley-Blackwell Encyclopedia of Gender and Sexuality, Studies, Wiley-Blackwell, Hoboken, New Jersey 2016, pp. 1–3, <http://dx.doi.org/10.1002/9781118663219.wbegss529>.
8. Alter Chen, Martha (2012); The Informal Economy: Definitions, Theories and Policies, Women in Informal Employment: Globalizing and Organizing (WIEGO), A Charitable Company Limited by Guarantee – Company No. 6273538, Registered Charity No. 1143510, ISBN number: ISBN 978-92-95095-41-0.
9. Avasthy, Divya; Kanti Ray , Amlan & Deb, Roumi (2013); Women informal economy: its characteristics and legitimacy in the intergenerational context, Cuadernos Hispanoamericanos de Psicología I Enero-Junio 2013, Vol. 13 No. 1, pp 4-12, ISSN 1657-3412 (Impresa) I ISSN 2346-0253 (En línea).
10. Chingono, Mark (2016); Women, the Informal Economy and the State in Lesotho, World Journal of Social Science Research ISSN 2375-9747 (Print) ISSN 2332-5534 (Online) Vol. 3, No. 4.
11. Donovan, J (2000); Feminist Theory the intellectual Traditions 3rd ed. New York.
12. Garz, Marcel.(2013); “Labour Market Segmentation: Standard and Non-Standard Employment in Germany.” German Economic Review, 14(3): 349-371.
13. Guba, E. G., and Y. S. Lincoln (1982). “Epistemological and Methodological Bases of Naturalistic Inquiry, Educational Communication and Technology Journal, 30 (4), 233-252.

14. Kogan, Irena. (2007); Working Through Barriers: Host Country Institutions and Immigrant Labour Market Performance in Europe. London: Springer.
15. Loveridge, Ray, and Albert L. Mok (1979); Theories of Labour Market Segmentation: A Critique. The Hague: Martinus Nijhoff Social Sciences Division.
16. Rodriguez, O. (2009). Of Estruturalismo Latino-Americano. Rio de Janeiro: Civilização Brasileira.
17. Ulrichs, Martina (2016); Informality, women and social protection: identifying barriers to provide effective coverage, Shaping policy for development odi.org.
18. Wmuthenya, W (2009); gender Differences in the Determinants of formal and informal sector employment in the urban areas of Kenya across time. In Recuperado de <https://editorialexpress>.

